

مسئولیت دولت در قبال حقوق مالکیت فکری و امنیت غذایی شهروندان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۷)

سیدمحمد قاری سیدفاطمی^۱، سمیرا رضائیان^۲

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی*

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

حمایت از حقوق مالکیت فکری در حوزه کشاورزی و دانش‌های مرتبط، به صورت مستقیم و غیرمستقیم آثاری بر امنیت غذایی دارد. حق غذا و حق مالکیت فکری هر دو در اسناد حقوق بشری شناسایی شده‌اند و تکلیف بر حمایت و تامین این حقوق بر عهده دولت به عنوان حافظ منفعت عمومی قرار دارد. نوع و میزان تأثیر و نیز تزاخم یا سازگاری این دو مقوله حقوقی، مورد مناقشه بوده و بر اهمیت و دشواری مسئولیت دولت در برقراری و حفظ تناسب لازم در این باب این افزوده است. به نظر می‌رسد نیل به نقطه تعادل جهت تأمین و حفظ تناسب لازم میان دو مقوله امنیت غذایی و حقوق مالکیت فکری، نیازمند اتخاذ تدابیر و استقرار نظام پیچیده‌ای از حقوق مالکیت فکری است که بتواند به صورت مؤثری از حقوق فعالان ضعیف‌تر مانند کشاورزان و دارندگان دانش سنتی حمایت کند. در این راستا اصلاح و تدوین قوانین کارآمد در حوزه حقوق مالکیت فکری تنها در صورتی به نفع عموم افراد جامعه خواهد بود که همگام و همسو با سایر قوانین و سیاست‌ها از جمله تامین امنیت غذایی باشد.

کلیدواژه‌گان: امنیت غذایی، حقوق مالکیت فکری، تزاخم حق‌ها، مسئولیت دولت.

مقدمه

همگام با صنعتی شدن جوامع، رفته رفته کشاورزی صنعتی در قامت یک حوزه تجاری تمام عیار پدیدار شد. پس از این تحول ماهوی، امکان پاسداشت دستاوردهای فناوری در حوزه کشاورزی رخ نمود. در پی آن، نظام حقوق مالکیت فکری به مثابه چهارچوبی توانمند برای حمایت از تولید و انباشت ثروت، در این حیطة راه یافت. نوشتار حاضر، در پی بررسی پیامدهای شناسایی حقوق مالکیت فکری در عرصه کشاورزی، با تأکید بر تنگناها و مخاطرات احتمالی آن برای حق غذا و امنیت غذایی است. برای این منظور پس از مروری بر مفاهیم حق غذا، امنیت غذایی و مالکیت فکری، زمینه‌های شناسایی حقوق مالکیت فکری در عرصه کشاورزی و پیامدهای آن بر امنیت غذایی طرح و سپس موضع اسناد بین‌المللی در این خصوص بررسی خواهد شد و در پایان به تبیین نسبت این دو مقوله حقوقی خواهیم پرداخت.

۱. مروری بر مفاهیم

در این قسمت به تعریف مفاهیمی از قبیل حق غذا، امنیت غذایی و حقوق مالکیت فکری می‌پردازیم.

۱-۱. حق غذا^۱

در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ «حق غذا» مورد شناسایی قرار گرفته و تأکید بر آن در اسناد حقوق بشری بعدی^۲ نیز حکایت از جایگاه بی‌بدیل این حق در حفظ حیات بشری دارد. به‌رغم اهمیت این حق، شناسایی تعهد و تکلیف دولت‌ها نسبت به تأمین آن برای شهروندان، از ابتدا بحث‌برانگیز بوده و مدافعان و منتقدانی داشته است (Helfer & Austin, 2011: 366). با این حال مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه‌ای^۳ در سال ۲۰۰۲، با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت غذایی، حق همگان

۱. Right to Food

۲. مانند اعلامیه جهانی راجع به محور گرسنگی و سوء تغذیه (۱۹۷۴)، «اعلامیه جهانی راجع به تغذیه» (۱۹۹۲)، «قطعنامه اجلاس جهانی غذا» (۱۹۹۶)، ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی (استاندارد مناسب زندگی) و پاراگراف ۱۵ تفسیر عمومی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در توضیح همین ماده (OHCHR, 1993).

۳. UN/A/Res/56/155, 2002

بر دسترسی به غذای کافی^۱ و مغذی را شناسایی کرد. هم زمان دولت‌ها نیز به انجام اقداماتی در زمینه شناسایی این حق و ارتقای وضعیت فردی و تأمین و تضمین بهره‌مندی کامل افراد از حق غذا فراخوانده شدند.

۱-۲. امنیت غذایی^۲

امنیت غذایی مفهومی مبتنی بر حق غذاست و دلالت بر وضعیتی دارد که در آن دسترسی اقتصادی و فیزیکی همه افراد جامعه به غذای سالم و کافی، جهت تأمین رژیم غذایی برای یک زندگی فعال و سالم فراهم باشد (CFS, 2009: 1). بنابراین تحقق امنیت غذایی مستلزم موجود بودن غذا^۳، دسترسی به غذا^۴، استفاده مناسب^۵ و نیز بهره‌مندی پایدار^۶ از آن است.

۱-۳. حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری با این تعریف و توجیه پدیدار شده که امتیاز عادلانه‌ای باشد برای صاحبان فکر و فن و هنر، به پاس اندیشه و کار سخت ایشان و به سزای سود شایانی که با آفرینش فرآورده‌های ادبی و هنری و صنعتی خود به عموم جامعه می‌رسانند. گرچه در عمل تأثیر فزاینده حقوق مالکیت فکری در تولید و انباشت ثروت و نیز گسترش حوزه‌های مورد حمایت و ارتقای کیفی حمایت‌ها، موجب شده تارفته رفته اصل لزوم برخورداری همگانی از فرآورده‌های فکری تحت تأثیر جنبه‌های انحصاری مالکیت‌های فکری قرار گیرد (Adams, 2008: 726). در اسناد مربوط به حقوق مالکیت فکری تعریف دقیقی از حقوق مالکیت فکری به عمل نیامده است. به جای آن، فهرستی از موضوعاتی که مشمول این نوع حمایت هستند، ذکر شده‌اند. در کنوانسیون که منجر به تشکیل سازمان حمایت از

۱. Adequate Food

۲. Food Security

۳. باید این نکته را متذکر شد که محرومیت اشخاص از حق غذا، ناشی از نبود غذای کافی در دنیا نیست، بلکه مسأله ناشی از عدم دسترسی به غذای موجود است؛ فقر، محرومیت‌های اجتماعی، انواع تبعیض‌های سیاسی و جنسیتی افراد را چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه از دسترسی به غذا محروم می‌کند (FAO, Fact Sheet No. 34, 2010: 4).

۴. Access

۵. Utilization

۶. Stability

حقوق مالکیت فکری در سال ۱۹۶۷ شد، برخی از حوزه‌ها از جمله حوزه‌های مرتبط با امنیت غذایی مغفول مانده بود که بعداً در بخش دوم کنوانسیون تریپس به آن‌ها اشاره شد (Blakeney, 2009:25).

۲. شناسایی حقوق مالکیت فکری در حوزه کشاورزی و پیامدهای آن بر امنیت غذایی

بر خلاف ماهیت اختصاصی و انحصاری آفرینش‌های ادبی، هنری و صنعتی، حوزه کشاورزی و زمینه‌های پیرامونی آن تا سالیان دراز، بستری عمومی و آزاد برای تبادل ذخایر ژنتیکی گیاه و دام با هدف تأمین غذای بشر تلقی می‌شد. از همین رو ماهیت عام و تملک‌ناپذیر دانش کشاورزی و داده‌های مرتبط با آن، امکان نفوذ حقوق مالکیت فکری در این حوزه را دور از ذهن می‌نمود. اما روند صنعتی شدن کشاورزی و توسعه آن با هدف صادرات و کسب منافع تجاری، موجب شد تا ابزارها، روش‌ها و داده‌های مربوط به کشاورزی نیز به‌عنوان دارایی‌های سرمایه‌ای تلقی شده و در نتیجه، پژوهش‌های ویژه‌ای با هدف کاهش هزینه تولید، بهبود کیفیت و افزایش میزان محصولات کشاورزی، فزونی یابد. به دنبال آن زمینه ورود حقوق مالکیت فکری به عرصه کشاورزی، با توجه حمایت از اندیشه‌های نو و ترغیب سرمایه‌گذاری در این حوزه، فراهم شد. با این حال، این روند پیامدهای نامطلوبی نیز برای امنیت غذایی داشته که مهم‌ترین آن‌ها را در ادامه بررسی می‌کنیم.

۲-۱. یکسان‌سازی محصولات و کاهش سطح زیر کشت محصولات غذایی

با تجاری شدن کشاورزی و در سایه ورود حقوق مالکیت فکری در این حوزه، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بزرگ بخش کشاورزی، به تخصص‌گرایی در تولید محصولات دارای مزیت صادراتی روی آوردند. مطابق این سیاست، زمین‌های کشاورزی یک اقلیم به صورت یکنواخت به محصولی اختصاص پیدا می‌کند که بازار جهانی تقاضای آن را دارد. برای مثال در کنیا کشاورزان محلی که پیش‌تر به تولید محصولات غذایی مورد نیاز مردم محلی اشتغال داشتند، اکنون زمین‌های خود را به کاشت گل‌های رز اختصاص داده‌اند. در نتیجه میزان تولید داخلی محصولات غذایی کاهش یافته و امنیت غذایی در سطح ملی به خطر افتاده است (Mbithi, 2011: 5).

۲-۲. وابستگی به خرید دانه‌های ارقام دست‌ورزی شده

کاهش سطح زمین‌های زیر کشت محصولات غذایی، کشاورزان را ناگزیر کرده تا برای جبران بخشی از کاهش تولید خود به دنبال ارقام پرمحصول باشند. ارقامی که تولید آن در گرو دستیابی به

بذرهای اصلاح شده ژنتیکی^۱ است. بنابراین کشاورزان ناگزیرند دانه ارقام پرمحصول را از تولیدکنندگان انحصاری آن، خریداری کنند. رواج ارقام جدید نیز به مرور ذائقه عموم مصرف کنندگان را تغییر داده است و بنابراین وابستگی کشاورزان به خرید این دانه‌ها روندی فزاینده دارد. (Truswell, 2002: 181)

۲-۳. افول تنوع زیستی و کاهش ذخایر ژنتیک

روند تأمین دانه‌های همسان و یکنواختی محصولات، تنوع زیستی را از بین خواهد برد. به‌ویژه آنکه این روند انگیزه کشاورزان را برای تولید به شیوه‌های سنتی کاهش می‌دهد. حتی اگر کشاورزی تمایل به حفظ شیوه سنتی داشته باشد، حمایت از حقوق انحصاری تولیدکنندگان دانه‌های تجاری، در عمل با سلب توان رقابت از کشاورز سنتی، مانع موفقیت وی خواهد شد. از دیگر سو با کاهش تنوع زیستی گیاهان، امکان مقاومت گونه‌ها در مقابل آفات و بیماری‌ها نیز کاهش یافته است. با این حال در این زمینه، آمار و مطالعات قابل اتکایی که به طور دقیق به نقش حمایت از مالکیت فکری بر نابودی ذخایر گیاهی و از بین رفتن تنوع زیستی بپردازد، در دست نیست (Helfer & Austin, op.cit: 380).

۲-۴. انحصار تولید دانه

هزینه‌های گزاف پروژه‌های پژوهش و توسعه در حوزه کشاورزی، زمینه‌ساز انحصار در تولید دانه به نفع کشورهای توسعه یافته خواهد بود (Bellman, 2016: 11). از دیگر سو تولیدکنندگان عمده دانه، در سایه حمایت‌های نظام حقوق مالکیت فکری درصدد کنترل دانه‌ها و دانش مربوط به تولید آن‌ها هستند؛ دانه‌ها به کشاورزان فروخته می‌شود و کشاورزان مکلفند محدودیت‌های مربوط به کشت، نگهداری و کشت دوباره را در قالب شروط ضمن قرارداد رعایت کنند. کشاورز برای تولید محصول سال آینده، حق استفاده از محصولات سال پیشین خود را ندارد. به‌علاوه پدیده نوظهور «محدودسازی استفاده از طریق فناوری‌های ژنتیک»^۲ با تولید دانه‌هایی که محصولاتی سترون به بار

۱. Genetically modified seeds

۲. Genetic Use Restriction Technologies (GURTs)

می‌آورند، به خودی خود حمایت کامل از مالکیت فکری را در این مورد تضمین می‌کند (Cullet, 2003: 21).^۱

۲-۵. تحمیل شرایط قراردادی و تهدید «استقلال غذایی»^۲

انعقاد قراردادهای انتقال فناوری، با عنایت به قدرت مانور کشور صاحب فناوری، موجب تحمیل شرایط خاص و بهای گزاف و در نتیجه افزایش هزینه تولید غذا می‌گردد. عدم پذیرش شرط رعایت حقوق مالکیت فکری، از سویی تولیدکنندگان را از مزایای فناوری‌های نوین محروم می‌کند و از دیگر سو با تحمیل هزینه‌های پژوهش و توسعه، باز هم موجب افزایش هزینه‌های عمومی در سطح ملی می‌گردد. (حبیب، ۱۳۸۶: ۵۳) در نهایت، افزایش حمایت از حقوق انحصاری ناشی از مالکیت فکری به کاهش تولید و در نتیجه افزایش قیمت این محصولات منتهی می‌شود و در نهایت، استمرار این روند، سطح دسترسی به غذا را کاهش می‌دهد. همچنان که در سال ۲۰۰۸ افزایش قیمت جهانی غلات، یکصد میلیون نفر را در جهان به مرز سوء تغذیه کشاند (Mbithi, 2011: 7).

۲-۶. تمرکز پژوهش و تولید بر محصولات «بازارپسند» به جای محصولات «مغذی»

سیطره منطق تجاری موجب شده است تا روند پژوهش و توسعه، اغلب در راستای کسب منافع تجاری بیشتر باشد و نه در جهت شناسایی و رفع نیازهای غذایی (Cullet, op.cit: 19). بنابراین گرچه فناوری‌های نوین، توان تولید غذا را تا ۸۰ درصد افزوده است اما شرکت‌های بزرگ تولیدکننده که از حقوق مالکیت فکری سود می‌برند، تاکنون اقدامی که به حال کشاورزان مناطق تهی‌دست ساکن کشورهای در حال توسعه سودمند باشد، انجام نداده‌اند (OECD, 1996: 56).

۱. این فناوری هیچ نوع استثنایی برای کشاورز قائل نمی‌شود و همچنین هیچ معافیتهای هم برای پژوهش وجود ندارد و ممکن است هرگز امکان دسترسی آزاد به دانه برای تولیدات بعدی فراهم نشود. البته از سوی مقابل ادعا شده است که این فناوری بهترین راه تضمین ایمنی دانه‌های به لحاظ ژنتیکی اصلاح شده، می‌باشد. (Cullet, op.cit: 31)

۲. مفهوم «استقلال غذایی» که در اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ مطرح شد، بر این موضوع تأکید دارد که برای مبارزه با انحصارگرایی در سطح ملی و جهانی، باید تدابیری اتخاذ گردد تا همه کشورهای، حق و توانایی تأمین غذا و تعیین سیاست‌های غذایی خود را داشته باشند.

۳. ارزیابی اسناد بین‌المللی در خصوص حقوق مالکیت فکری و امنیت غذایی

برای ارزیابی موضع اسناد بین‌المللی در خصوص نسبت حقوق مالکیت فکری با امنیت غذایی، سه دسته اسناد قابل بررسی هستند؛ نخست اسناد حامی حقوق مالکیت فکری که غیرمستقیم بر امنیت غذایی تأثیرگذار هستند، دوم اسناد راجع به محیط زیست که بر موضوع کشاورزی و غذا تأثیر مهمی دارند و سوم اسنادی که از منظر تولید غذا به موضوع کشاورزی نگریسته و در واقع به طور مستقیم به مسئله امنیت غذایی پرداخته‌اند.

۳-۱. اسناد مربوط به حقوق مالکیت فکری

پس از تبیین مواردی از چالش اصلی، اکنون مواجهه اسناد حقوقی بین‌المللی با موضوع را بررسی می‌کنیم.

۳-۱-۱. کنوانسیون بین‌المللی حمایت از ارقام جدید گیاهی^۱

با تصویب این کنوانسیون، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از گونه‌های جدید گیاهی (یوپو)^۲ تأسیس شد تا از حقوق پرورش دهندگان تجاری ارقام گیاهی جدید^۳ و همچنین از توسعه کشاورزی، حمایت کند. منتقدین بر این باورند که شناسایی حق پرورش دهنده گیاه، در خصوص ارقام جدید، موجب کاهش تنوع زیستی محصولات، نابودی دانش سنتی کشت^۴ و حرکت به سوی پرورش اقتصادی‌ترین گونه‌های جانوری و گیاهی به جای مناسب‌ترین گونه‌ها به لحاظ بوم‌شناختی شده و در نهایت منجر به نابودی گونه‌های سنتی گیاهی و جانوری خواهد شد. روند کنونی اجرای مقررات حقوق مالکیت فکری، کاهش تنوع ژنتیکی و دیگر پیامدهای نامطلوب آن را باعث شده است؛ تا

۱. International Convention for the Protection of New Varieties of Plants (1961).

۲. International Union for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV).

۳. برای اطلاع بیشتر از این حقوق، بنگرید به: حبیب و حیدری، ۱۳۹۳: ۱۵۵-۱۷۴

۴. Traditional Knowledge

جایی که در سده بیستم حدود ۷۵ درصد از تنوع ارقام غلات مورد نیاز، کاهش یافته است (WHO, 2005).^۱

۳-۱-۲. تریپس؛ موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۲

این موافقت‌نامه که به ثبت فناوری‌های مرتبط با کشاورزی نیز پرداخته، امکان استثنا کردن را از نظام ثبت اختراعات به طور مطلق منع کرده است. اطلاقی که شامل حوزه کشاورزی نیز خواهد بود. در حالی که پیش‌تر، استثنای غذا و دارو از نظام ثبت اختراعات، رویه‌ای معمول بود. به علاوه کشورهای عضو ملزم می‌باشند از طریق نظام عمومی ثبت اختراع یا از طریق یک سیستم خاص یا ترکیبی از این دو، به طور مشخص از حقوق مالکیت فکری در خصوص ارقام گیاهی حمایت کنند (بند ب قسمت ۳ ماده ۲۷). الزامات تریپس در این مورد، منحصر به ارقام گیاهی جدید که به صورت تجاری تولید می‌گردد، نیست؛ بلکه حمایت از تمام نوآوری‌های مربوط به گیاهان را دربرمی‌گیرد (بند ۱ ماده ۲۷). الزام کشورها به رعایت این مقررات، نگرانی‌ها درباره اثر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رویه‌های کشاورزی نظیر امکان استفاده مجدد از دانه و تبادل دانه بین کشاورزان و حفظ تنوع زیستی گیاهان را افزایش داده است؛ زیرا کشورهای در حال توسعه، با وجود تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی بیشتر، سهم کمتری از موارد ثبت اختراع دارند و روند ثبت ذخایر به نفع کشورهای توسعه‌یافته، ممکن است آن‌ها را در استفاده و بهره‌برداری از این منابع، محدود سازد.

تریپس با مسکوت گذاشتن برخی موضوعات^۳ و همچنین اتخاذ برخی مواضع متعارض با کنوانسیون تنوع زیستی، به ناهماهنگی‌های عملی دامن زده است.^۴ همچنین اجمال و ابهام مواد مهمی

۱. سیر تحولات نشان می‌دهد که یوپو هر روز موضع سخت‌گیرانه‌تری نسبت به بهره‌برداری از دانه اتخاذ می‌نماید. مطابق مصوبات ۱۹۶۱ و اصلاحات ۱۹۷۸، کشاورزان می‌توانستند از حق نگهداری و تکثیر دانه در سال‌های بعدی برخوردار شوند؛ اما تغییرات مصوب ۱۹۹۱ به طور کلی حق استفاده از دانه خودمصرفی را از کشاورزان سلب نمود.

۲. Agreement On Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS); (1995)

۳. بند ۷ ماده ۱۵ کنوانسیون تنوع زیستی بر تقسیم عادلانه منافع حاصل از اختراعی که با رضایت صاحب منع انتقال یافته، تأکید دارد؛ ولی تریپس در این مورد حکمی ندارد.

۴. ماده ۲۷ تریپس امکان اعطای حقوق مالکیت فکری بر پایه ذخایر ژنتیکی را، با سکوت در خصوص رضایت کشور مالک ذخایر، فراهم آورده اما کنوانسیون تنوع زیستی بر شناسایی حاکمیت کشور مبدأ بر منابع زیستی و لزوم تقسیم منافع تجاری با جوامع بومی تأکید دارد. (بخشی از مقدمه و ماده ۱۵)

از تریپس که می‌توانست راهی برای ایجاد تعادل بین حقوق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فناوری باشد، اختلاف در تفسیر را موجب شده است.^۱

با این حال باید توجه داشت که اگرچه رویکرد حاکم بر تریپس، حامی دارندگان مالکیت فکری است؛ اما در چهارچوب تریپس نیز حقوق مالکیت فکری باید در خدمت توسعه نوآوری و انتقال فناوری باشد و به رفاه اجتماعی و اقتصادی منجر شود (ماده ۷)؛ همچنانکه اعضا در اعمال روش‌های اجرای موافقت‌نامه، نوعی صلاحیت تشخیصی برای انتخاب ابزارهای اجرا دارند (ماده ۱). بنابراین برای ایجاد انعطاف بیشتر در تریپس با هدف حمایت از حقوق بشر، می‌توان از ظرفیت‌های مندرج در برخی مواد^۲ تریپس استفاده کرد. همچنین باید به اعلامیه دوحه سال ۲۰۰۱ در خصوص تریپس و بهداشت عمومی، اشاره کرد. در آنجا کشورها ضمن تعهد به اجرای تریپس تأکید کردند مقررات تریپس باید به گونه‌ای تفسیر شود که حامی اقدامات اعضا در راستای حفظ منافع عمومی و استفاده از استثنائات تریپس با این هدف باشد (Cullet, op.cit: 29).^۴

-
۱. استنباط کشورها از ماده ۳۰ تریپس، مختلف بوده؛ کانادا اعلام کرده ماده ۳۰ بایستی در چهارچوب محتوا، مضمون، موضوع، هدف و با توجه به مقدمه، ماده ۷ تریپس و براساس ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، به طور موسع تفسیر شود. اما اتحادیه اروپا معتقد است که حفظ منافع عمومی و اجتماعی پیش‌تر در مذاکرات تریپس بحث شده و کشورها نباید با اقدامات یک جانبه، سطح حمایت موضوع موافقت‌نامه را تعدیل کنند. (عزیزی مراد پور، ۱۳۹۱: ۱۴۰)
 ۲. ماده ۷ تریپس در پی تعادل بین منافع عمومی و حقوق دارندگان مالکیت فکری است. ماده ۸ نیز تأکید مشخص‌تری بر حمایت از غذا و ارتقای منافع عمومی در بخش‌های حیاتی است. این دو ماده اجازه می‌دهند که اعضا نگاه وسیع‌تری نسبت به مقررات ماهوی تریپس داشته باشند؛ می‌توان به موجب ماده ۷ مدت زمان حمایت از اختراع ثبت شده را در موارد مربوط به امنیت غذایی، مانند کشاورزی و فناوری‌های مربوط به آن کاهش داد تا تعادلی فراهم شود. شاید در پرتو تفسیری متعادل از ماده ۷ بتوان برای کشورهای در حال توسعه نیز امکان هماهنگی را فراهم کرد.
 ۳. اعلامیه دوحه (The Doha Declaration on the TRIPS Agreement and Public Health) حاکی از دغدغه کاهش تأثیر منفی ثبت اختراع در حوزه دارو و سلامت بود اما مؤثر واقع نگردید؛ چون اعضای سازمان جهانی تجارت نتوانستند در مدت زمان مشخص شده در چهارچوب این اعلامیه به توافق برسند.
 ۴. مطابق اعلامیه دوحه هر نوع حمایت از مالکیت فکری که اجرای الزامات اصلی دولت در خصوص حق بر سلامت و حق غذا را دشوار کند، با تکالیف حقوقی آن دولت ناسازگار تلقی می‌گردد.

۳-۲. اسناد مربوط به محیط زیست

۳-۲-۱. کنوانسیون تنوع زیستی^۱

این کنوانسیون در پیوند با موضوع انتقال فناوری و دسترسی عادلانه به منابع زیستی، بر مبنای سه هدف اصلی حفاظت از تنوع زیستی، بالابردن ظرفیت به کارگیری پایدار آن و تقسیم عادلانه منافع حاصل از به کارگیری ذخایر ژنتیکی تدوین شده است (بند د ماده ۸). ماده ۱۶ این کنوانسیون از محدود مواردی است که به این نکته تصریح دارد که حمایت از حقوق مالکیت فکری نباید کارکرد اصلی این کنوانسیون را تضعیف کند. همچنین «در مواردی که فناوری، تحت امتیاز یا سایر حقوق مالکیت فکری باشد، دسترسی و انتقال آن، برابر شرایطی خواهد بود که با حمایت مناسب و مؤثر از حقوق مالکیت فکری یادشده، سازگار باشد.» (بند ۲ ماده ۱۶). این کنوانسیون برای نخستین بار مکانیسمی را برای بهره‌برداری موفق از منابع ژنتیک و همین طور پرداخت عوض مناسب در مقابل دستیابی به این منابع، مقرر داشت (بندهای ۴ و ۵ ماده ۱۵). به علاوه، هر عضو موظف است تسهیلات لازم را برای دیگر کشورهای عضو جهت دسترسی و انتقال فناوری‌های مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی و همچنین فناوری‌های مربوط به استفاده از ذخایر ژنتیکی که خسارت قابل ملاحظه‌ای به محیط زیست وارد نمی‌کند، تأمین نماید (بند ۱ ماده ۱۶ و بند ۲ ماده ۱۵).

این کنوانسیون با تأکید بر دانش سنتی سعی دارد با حمایت توأمان از کشاورزی پایدار و فناوری‌های جدید، از تنوع زیستی حمایت کند و از همین رو با تأمین نیازهای غذایی اصلی نیز مرتبط است.^۲ اما با وجود تأکید بر حفظ دانش سنتی^۳ و موضوعات مربوط به دسترسی و اشتراک منافع، این کنوانسیون به صورت جدی درگیر مباحث مربوط به مالکیت دانش سنتی مرتبط با تنوع زیستی نشده است؛ چرا که این موضوع در حقوق بین‌الملل همچنان لاینحل باقی مانده است (Ibid: 16). در حالی که

۱. Convention on Biological Diversity (CBD), 1992.

۲. جوامع بومی با بهره‌برداری پایدار از محیط زیست، در طول سالیان متمادی، حافظ محیط زیست بوده‌اند. لذا حمایت از دانش سنتی، شامل روش‌ها و ابتکارات بومیان، نقش بسیار ارزنده‌ای در حفظ محیط زیست دارد. (مشهدی و محشمی، ۱۳۹۴: ۴۹۹)

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: مومنی راد، شهاب‌الدین و عزیزی، ۱۳۹۲: ۲۳۳-۲۶۲.

نابودی ارقام و گونه‌های گیاهی و کاهش تنوع زیستی در نتیجه حمایت از ارقام جدید گیاهی، استمرار کشاورزی را به خطر انداخته است.^۱

۳-۳. اسناد مربوط به کشاورزی

۳-۳-۱. معاهده بین‌المللی ذخایر ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی^۲

حفظ ذخایر ژنتیک گیاهی^۳ دغدغه مشترک سه حوزه کشاورزی، محیط زیست و تجارت غذا است. چالش عمده این است که تعیین کنیم کدام دسته از ذخایر در حیطه عمومی بوده و قابل ثبت و تملک نیستند و کدام دسته قابل تملک خصوصی بوده و از حمایت حقوق مالکیت فکری بهره‌مند می‌شوند. این معاهده نیز همانند *تعهد بین‌المللی ذخایر ژنتیک گیاهی*^۴ دغدغه منتقدان مالکیت فکری در این زمینه را منعکس کرده است.^۵ در واقع مفاد این سند الزام‌آور، بازتاب همان گرایشی است که پیش‌تر در *کنوانسیون تنوع زیستی* به آن توجه شده بود؛ حفظ ذخایر گیاهی و استفاده پایدار و به اشتراک‌گذاری منافع آن با هدف رشد کشاورزی پایدار و برقراری امنیت غذایی.^۶ کنوانسیون

۱. امروزه ارقام محدودی از دانه‌های گندم، برنج و ذرت که از نظر ژنتیکی یکنواخت بوده در دنیا کشت می‌شود. از نتایج مهم این روند، آسیب پذیرتر شدن روز افزون مهم‌ترین منابع غذایی انسان‌ها در برابر تغییرات محیطی و اکولوژیکی است (Cullet, 2003: 16).

۲. International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture (ITPGRFA) (2001)

۳. شامل هرگونه ماده ژنتیکی با منشأ گیاهی که دارای ارزش بالفعل یا بالقوه برای غذا و کشاورزی باشد.

۴. International Undertaking on Plant Genetic Resources (1983)

۵. با این تفاوت که *تعهد ۱۹۸۳* سندی غیرالزام‌آور بود که ذخایر ژنتیکی را میراث مشترک بشریت می‌دانست و تأکید داشت که هیچ محدودیتی برای استفاده همگان از این منابع نباید باشد. پذیرش گسترده‌تر این *تعهد بین‌المللی* پس از کنفرانس ۱۹۸۹ فائو (Twenty-Fifth Session of the FAO Conference ° Rome, 1989) با صدور قطعنامه‌های تفسیری حاصل شد. قطعنامه ۴/۸۹ بیان می‌کند که حقوق پرورش دهندگان گیاهی در کنوانسیون UPOV منافاتی با این *تعهد* ندارد و هم‌زمان حقوق کشاورزان را آنطور که در قطعنامه ۵/۸۹ آمده است به رسمیت می‌شناسد. سپس قطعنامه ۳/۹۱ نیز حاکمیت ملت‌ها را بر منابع ژنتیکی‌شان به رسمیت شناخته است. در واقع این قطعنامه‌ها بر ضرورت ایجاد تعادل بین حقوق نوآوران رسمی یعنی پرورش دهندگان ارقام تجاری از یک سو و حقوق نوآوران غیررسمی یعنی کشاورزان تولیدکننده ارقام غیرتجاری از سوی دیگر، تأکید دارند. پس از آن نیز بیانیه کنفرانس ریو (United Nations Conference on Environment and Development (UNCED), Rio de Janeiro, 3-14 June 1992) بر لزوم تقویت برنامه‌های جهانی راجع به حفظ ذخایر ژنتیکی تأکید کرد و سرانجام معاهده فوق تصویب شد که برای همگان پذیرفتنی بود؛ مگر آمریکا و ژاپن که رای ممتنع دادند. آمریکا که نگران حفظ تمامیت مالکیت فکری بود، در نوامبر ۲۰۰۲ آن را امضا کرد.

۶. پایداری غذا و کشاورزی مبتنی بر ۵ اصل کلیدی است: ۱. توسعه کارآمدی در استفاده از منابع؛ ۲. نگهداری، حفاظت و ارتقای منابع طبیعی؛ ۳. سازگاری و تناسب شیوه کشاورزی با حفظ و ارتقای سطح معیشت و رفاه؛ ۴. ارتقای انعطاف‌پذیری مردم، جوامع و زیست‌بوم؛

سعی دارد تا چالش رابطه حقوق مالکیت فکری و استفاده از ذخایر ژنتیکی را به نوعی حل کند و در این راستا حمایت از حقوق کشاورزان را در دستور کار قرار داده است. کنوانسیون با تأمین دسترسی مناسب به ذخایر ژنتیکی و انتقال صحیح فناوری‌های مربوط، همراه با در نظر گرفتن جمله حقوق مربوط به آن منابع و فناوری‌ها (ماده ۱)، بستر پذیرش و شناسایی منصفانه حقوق مالکیت فکری و آشتی و سازگاری این حقوق با امنیت غذایی را فراهم کرده است. تأکید کنوانسیون بر تعهد به انتقال فناوری به گونه‌ای عادلانه و منصفانه میان اعضا و همچنین ضرورت اتخاذ تدابیر تقنینی، اجرایی و سیاست‌گذاری در همین راستاست (بندهای ۱ تا ۵ ماده ۱۶).

همین کنوانسیون شروطی را برای دسترسی آسان به ذخایر ژنتیکی کشورها قرار داده است که استفاده تجاری از ذخایر ژنتیکی را منوط به برقراری نظامی چندجانبه، به صورت منصفانه و عادلانه کرده تا متضمن امکان دسترسی طرف‌های متعاقد به فناوری‌های حفاظت، شناسایی، ارزیابی و استفاده از ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی باشد (ماده ۱۱).^۱ کشورهایی که امکان دسترسی آسان را فراهم کنند از منافع مشترکی مانند تبادل اطلاعات، ظرفیت‌سازی دسترسی و انتقال فناوری و سود حاصل از تجاری‌سازی بهره‌مند می‌شوند (بند ۱ ماده ۱۳). گرچه این، برخی عناصر ماهوی حقوق کشاورزان شامل حمایت از دانش سنتی، اشتراک منصفانه منافع و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت منابع ژنتیک گیاهی را برشمرده است اما مسئولیت تعریف و حمایت از حقوق کشاورزان را بر عهده دولت‌ها گذاشته و برای آن سازوکار مشخصی ارائه نداده است (بند ۲ ماده ۹).

از میان کنوانسیون‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، معاهده حفظ ذخایر ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی و نیز کنوانسیون تنوع زیستی، سعی در برقراری نوعی هم‌زیستی و آشتی میان حقوق مالکیت فکری و حق غذا داشته‌اند. تریپس که به طور مشخص در حمایت از حقوق مالکیت فکری تدوین شده است، نقش کم‌رنگی در ایجاد تعادل بین دو این مقوله و حمایت مؤثر از حقوق بشر دارد. اما آنچه در

۵. سازوکارهای حکمرانی کارآمد و پاسخگو به‌عنوان شرط ضروری تحقق الگوی غذا و کشاورزی پایدار (FAO, Building a common vision for sustainable food and agriculture; Principles and approaches, 2014).

۱. ماده ۱۱ تأکید دارد که دریافت‌کنندگان نمی‌توانند مدعی هیچ‌گونه حق مالکیت فکری یا حقوق دیگری شوند که موجب محدودیت دسترسی آسان به منابع یا اجزای ژنتیکی آنها باشد. همچنین دسترسی به منابع ژنتیکی باید با رعایت تمامی حقوق مربوط، انجام گیرد.

عمل در سطح جهانی میان کشورهای متعاقد وجود دارد، اجرای تریپس به صورت کامل و ذیل الحاق به سازمان جهانی تجارت است؛ چرا که هیئت حل اختلاف مستقر در سازمان جهانی تجارت به طور مستقیم مبادرت به وضع مجازات‌های تجاری علیه کشور ناقض حقوق مالکیت فکری می‌کند و این در حالی است که سایر معاهدات از چنین ضمانت اجرای مؤثری برخوردار نیستند.

۴. چالش‌های کشورهای در حال توسعه و وضعیت ایران

تفاوت ماهوی کشاورزی در کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه‌یافته، تأثیر حقوق مالکیت فکری بر سامانه‌های کشاورزی و امنیت غذا را متفاوت ساخته است. در کشورهای توسعه‌یافته، کشاورزی مقیاسی وسیع و ماهیتی مکانیزه دارد. محصولات بسیار فراتر از نیاز ملی، تولید می‌شوند و مازاد آن صادر می‌گردند. بنابراین حمایت سخت این کشورها از حقوق مالکیت فکری مشوق سرمایه‌گذاری و پژوهش‌های توسعه‌ای در بخش کشاورزی آن‌ها است. اما کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، با رویکرد تأمین نیازهای غذایی مردم بومی رشد کرده است. کشاورزان بومی با هدف تولید غذای خود و تحصیل درآمد برای تأمین سایر نیازهای ضروری فعالیت کرده و با نبود انگیزه‌های تجاری گسترده، تنها در مقیاسی محدود دانه تولید می‌کنند. این سازوکار کمتر تحت تأثیر نوسانات تجاری و رقابتی بازارهای عمده بوده و در عوض تغییرات آب و هوایی و آفات و بلایای طبیعی، مهم‌ترین عامل کامیابی یا ناکامی این نوع کشاورزی است. این سیستم تمایلی به پذیرش مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری نداشته و بر انتقال دانش سنتی تکیه دارد.

امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سعی در تلفیق سیستم کشاورزی سنتی با سیستم کشاورزی نوین دارند. اما در این میان باید امنیت غذایی شهروندان تضمین گردد. بنابراین دولت باید در عین حمایت از کشاورزان سنتی، راه را برای بهره‌گیری از مزایای تولید دانه به روش جدید فراهم کند. حمایت‌های یارانه‌ای و معافیت‌های ویژه برای دانه‌های تجاری و ارقام گیاهی دست‌ورزی‌شده، حقوق کشاورزان محلی و روستایی را تضعیف می‌کند. با عرضه دانه‌های دست‌ورزی‌شده در قالب بسته‌هایی حاوی تقویت‌کننده‌ها و آفت‌کش‌های مخصوص، ارقام سنتی گیاهان به تدریج رو به نابودی می‌روند. اینجاست که حمایت از حقوق کشاورزان (موضوع ماده ۹ کنوانسیون حفظ ژنتیکی ذخایر برای غذا و کشاورزی) اهمیت می‌یابد. اجبار کشاورزان به تغییر

روش‌های سنتی کشت نیز به امنیت غذایی مردم محلی آسیب خواهد زد. تغییر سیستم کشاورزی سنتی کشورهای در حال توسعه باید با شناسایی مشکلات و آسیب‌های احتمالی صورت پذیرد.^۱ از دیگر سو دانش سنتی موجود در کشورهای در حال توسعه، حیطه‌ای عمومی تلقی می‌شود که مالکیتی برای آن متصور نیست و اشخاص برای بهره‌برداری از آن آزاد هستند.^۲ اما همین دانش سنتی با اندکی تغییر، تحت عنوان حق اختراع^۳ به مالکیت خصوصی شرکت‌های تجاری درآمده و پس از ثبت و برخورداری از حمایت مالکیت فکری، به کشورهای در حال توسعه عرضه می‌گردد؛ در حالی که مردمان بومی، یعنی مالکان اصلی دانش سنتی، سهمی از منافع اقتصادی حاصل از آن نخواهند داشت (Helfer, 2007: 971). لذا حفظ دانش سنتی در کشورهای در حال توسعه از مهم‌ترین اقداماتی است که آن‌ها می‌توانند برای مقابله با موج عظیم سرقت زیستی^۴ انجام دهند (GUPTA, 2011: 31).^۵

با این حال بخشی از ناتوانی دولت‌های کشورهای در حال توسعه در تضمین امنیت غذایی شهروندان، ناشی از سیستم اقتصادی و نابسامانی روندهای تجاری و کشاورزی در آن کشورها است. بدیهی است حمایت قوی از حقوق مالکیت فکری، به تنهایی موجب انتقال فناوری و به تبع آن توسعه کشاورزی در کشورهای در حال توسعه نخواهد شد.

۱. به منظور ایجاد هماهنگی میان حق غذا و حقوق مالکیت فکری، پیشنهادهایی ارائه شده است. از جمله گزارشگر ویژه سازمان ملل راجع به حق غذا در گزارش خود مواردی را بیان کرده است؛ شامل اجرای کامل ماده ۹ کنوانسیون حفظ ذخایر ژنتیکی برای غذا و کشاورزی در حمایت از حقوق کشاورزان، قیمت‌گذاری و تنظیم‌گری دولت‌ها در خصوص نرخ فروش دانه‌ها توسط شرکت‌های تولیدکننده دانه‌های تجاری به کشاورزان تهی‌دست، اعطای برخی موارد معافیت از مراعات حقوق مالکیت فکری به پژوهشگران، اختصاص پژوهش‌های بخش دولتی برای سرمایه‌گذاری در خصوص محصولات کشاورزان تهی‌دست کشورهای در حال توسعه و ... (De Schutter, 2014: 24)

۲. در اکتبر ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) با تأسیس کمیته بین‌الدولی مالکیت فکری، منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فرهنگ عامه موافقت نمود. این کمیته نقش سیستم‌های مالکیت فکری در زمینه دانش سنتی و چگونگی حفظ و حمایت و استفاده عادلانه از دانش سنتی را بررسی می‌کند. اما این تلاش‌ها هنوز منتهی به تحقق اجماع یا انعقاد معاهده‌ای بین‌المللی نشده است.

۳. Patent

۴. Biopiracy

۵. هند توانسته طی ۲ سال، تنها در اروپا ۳۶ تقاضانامه‌ای را که برای ثبت فرمول‌های دارویی گیاهان سنتی هندی داده شده بود لغو کند. این موفقیت تنها با تأسیس کتابخانه دیجیتالی دانش سنتی، ممکن شده است که امکان بررسی دانش پیشین (prior art) را برای ناظران بر حقوق مالکیت فکری فراهم ساخته است.

ایران نیز وضعیتی مشابه با برخی کشورهای در حال توسعه دارد؛ از سویی منابع غنی ژنتیکی کشور باید محفوظ از سرقت زیستی باشد که در این راستا مقرراتی وضع گردیده است؛ برای مثال، ماده ۴ قانون ثبت اختراعات سال ۱۳۸۶ به طور مشخص، منابع ژنتیک را از امکان ثبت اختراع مستثنا کرده است. همچنین ثبت ذخایر ژنتیک گیاهی اصلاح نشده و وحشی به عنوان ذخایر ملی به درخواست بانک ژن گیاهی ملی ایران توسط مؤسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال، به نام دولت جمهوری اسلامی ایران انجام می شود.^۱ اخیراً با هدف صیانت از ذخایر ژنتیکی و تنوع زیستی کشور، لایحه «حفاظت و بهره برداری از منابع ژنتیکی» تدوین شده که در حال حاضر تصویب آن به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شده است.^۲ ماده ۵ این لایحه بیان می دارد: «شخص حقیقی یا حقوقی نمی تواند منابع ژنتیکی یا اجزای تشکیل دهنده آن ها را به صورتی که در زیستگاه های طبیعی حفاظت می شوند و یا توسط کشاورزان و بهره برداران استفاده می شوند، تحت مالکیت فکری خود ثبت کند.» همچنین بر اساس تبصره ۳ ماده ۵ آیین نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون نظام جامع دامپروری کشور، ثبت ذخایر ژنتیکی دام اصلاح نشده و وحشی به نام دولت جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد. لذا به نظر می رسد با اجرای قوانین مذکور و تأسیس بانک های ژن کشور^۳ و اجرای معاهدات بین المللی مانند منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی، ثبت منابع ژنتیک کشور امکان پذیر است و سرقت زیستی از منابع غنی کشور را به حداقل می رساند. با این وجود، برخی از متخصصان حقوق مالکیت فکری معتقدند تعدد دستگاه های متولی ثبت منابع ژنتیک جدید در این لایحه^۴ که هر کدام رأساً، با درخواست متقاضیان، بر اساس نظام ثبت خاص حمایتی خود، اقدام

۱. تبصره ۱ ماده ۳ قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال سال ۱۳۸۲ و ماده ۲ و ۱ آیین نامه ثبت ذخایر ژنتیکی گیاهی و ارقام بومی و محلی کشور مصوب ۱۳۸۸.

۲. اختلاف مجلس و شورای نگهبان بر تبصره ۱ ماده ۵ بوده است که بیان می دارد: «منابع ژنتیکی با مشخصات جدید، بر اساس فرایندهای به نژادی و دست ورزی ژنتیکی با رعایت مفاد این قانون و سایر قوانین مربوط به مالکیت فکری توسط نهادهای متولی موضوع ماده ۳ این قانون قابل ثبت می باشد و این ثبت موجب مالکیت فکری است.» این تبصره تا حدود زیادی می تواند به احیای حقوق مالکیت فکری مخترعان عرصه زیست فناوری کمک کند.

۳. بانک ژن منابع طبیعی و بانک ژن های غیر گیاهی در مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی جهاد دانشگاهی، بانک ژن منابع ژنتیکی دامی و منابع ژنتیکی شیلات و همچنین تأسیس بانک ژن گیاهی ملی ایران در راستای اجرای ماده ۱۲ معاهده منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی در جهت حمایت از ژرم پلاس های گیاهی.

۴. حسب ماده ۳ و تبصره یک ماده ۵ لایحه «حفاظت و بهره برداری از منابع ژنتیکی».

می‌کنند، نظام‌هایی که قابلیت تطبیق با حقوق بین‌المللی مالکیت فکری را ندارند، به دلیل عدم وجود نظام مقارن حمایتی در سطح بین‌المللی نه تنها به ایجاد یک سیستم حمایتی برای منابع ژنتیکی کشاورزان منجر نخواهد شد بلکه فرایند سرقت زیستی را تشدید خواهد کرد.^۱

از سوی دیگر، حمایت از حقوق کشاورزان سنتی و هم‌زمان حمایت از حقوق مالکیت فکری به نژادگران ارقام گیاهی امر ظریفی است که باید به آن توجه داشت. حمایت از ارقام گیاهی در چهارچوب قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال ۱۳۸۲ توسط مؤسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال در سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی صورت می‌گیرد. اگرچه به موجب بند ۵ ماده ۱۰ آیین‌نامه ثبت ارقام گیاهی مصوب ۱۳۸۸، استفاده از رقم برای اهداف غیرتجاری و تحقیقات به نژادگری و بذر خودمصرفی کشاورزان، از رقم مورد حمایت به‌عنوان استثنائات حقوق به نژادگر بیان شده است، سکوت در موارد متعدد که در زمینه حمایت از کشاورزان سنتی اهمیت دارد، مانند استثنای ارقام گیاهی که عمده غذای تولیدی و مصرفی کشور را تشکیل می‌دهند از مدت ۱۸ ساله حمایت، امکان عملی اجرای این قانون را ناممکن ساخته است. همچنین مواد ۸ و ۹ سند ملی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۷ سعی در حمایت از کشاورزان خرده‌پا داشته است.^۲ اما این سند قانون مصوب مجلس نیست و وزارت جهاد کشاورزی آن را تدوین نموده و فاقد ضمانت اجرای حقوقی است. و در آخر اینکه، اگرچه ایران به معاهده منابع ژنتیک برای غذا و کشاورزی پیوسته است و مواد بسیاری از این معاهده در راستای حمایت از حقوق کشاورزان و کشورهای در حال توسعه است اما عدم تدوین قانونی که زمینه اجرایی شدن این معاهده را فراهم کند، باعث بلاجراماندن این معاهده شده است.

به نظر می‌رسد انجام اصلاحات نهادی و ساختاری با توجه به مؤلفه‌های حقوق عمومی، در آن دسته از حوزه‌های حقوق مالکیت فکری که با امنیت غذایی مرتبط است، به‌منظور رسیدن به نقطه تعادل، ضروری باشد. جهت اصلاحات نهادی، برای مثال، با توجه به وظایف متعددی که بر عهده

۱. مصاحبه با خانم سحر رحمانی، معاون اداره ثبت بین‌المللی اختراعات مرکز مالکیت معنوی، تهران، مرکز مالکیت معنوی، مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۰.

۲. ماده ۸: «مقررات حاکم بر گواهی بذر و نهال کشور شامل بذر و نهال خود مصرفی کشاورزان نمی‌باشد و...» بند ۷ و ۸ از ماده ۹: «کشاورزان تولید کننده بذر و نهال خود مصرفی، حق ذخیره، استفاده، تبادل، تسهیم یا عرضه مواد گیاهی خود را دارند و استفاده کشاورزان خود مصرفی از ارقام حمایت شده بلامانع است.»

سازمان تحقیقات کشاورزی و مؤسسات وابسته به آن گذاشته شده است، قانون جامعی تدوین شود تا با تأسیس نهادهای ویژه از حقوق مالکیت فکری به‌نژادگران حمایت شود. برای تحقق مشارکت بیشتر بخش‌های غیردولتی می‌توان در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی برخی از وظایف غیرحاکمیتی مؤسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال را مانند فرایند صدور مجوز و تعیین استانداردهای لازم به مؤسسات خصوصی و انجمن‌ها واگذار کرد. مورد دیگر، لایحه «حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی کشور» است که نهادها و مؤسسات وابسته مشخصی برای اجرای این لایحه تدارک ندیده است و ساختار مدیریت حفاظت از منابع مشخص نیست.^۱ در این لایحه مراجع متعدد برای ثبت حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شده است^۲ که این امر علاوه بر اینکه با تعهدات بین‌المللی سازگاری ندارد^۳، از منظر حقوق عمومی نیز تعدد نهادها، تداخل وظایف و موازی‌کاری را به دنبال دارد. همچنین در این لایحه، اعطای مجوزدهی به نهادهای متعدد، سبب موازی‌کاری و تداخل با قوانین موجود از جمله قانون «ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال» برای ثبت مالکیت فکری ارقام گیاهی اصلاح‌شده، شده است. و در آخر اینکه در لایحه به جزئیاتی پرداخته شده است که باید در آیین‌نامه جداگانه مشخص می‌شد.^۴ همچنین مراجع خاصی متشکل از هیئت‌های کارشناس در حوزه امنیت غذایی (کشاورزی، آب، محیط زیست و...) و مالکیت فکری باید در قانون تعیین شوند تا در موارد خاص، با در نظر گرفتن منفعت عمومی و بر مبنای حمایت از حقوق عامه، با ابطال گواهی‌های ثبت اختراع و سایر روش‌های پیش‌بینی‌شده در قانون، نسبت به ایجاد تعادل میان حق غذا و حق مالکیت فکری اقدام کنند.

گروه مطالعات فرسنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. برای اصلاح باید حیطه وظایف دبیرخانه یا مرکز فعال، در چهارچوب قانون مشخص شده و شرح کامل و جزئیات وظایف در یک اساننامه مدون شود. (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی، شماره مسلسل ۲۸۰۱۵۴۴۹، تاریخ انتشار، ۱۳۹۶/۴/۲۵)

۲. به موجب ماده ۳ لایحه، سه دستگاه، متولی اجرای قانون شناخته می‌شوند؛ وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت از محیط زیست.

۳. ماده ۱۲ کنوانسیون پاریس کشورها را متعهد می‌کند تنها یک اداره مرکزی مخصوص مالکیت صنعتی داشته باشند.

۴. برای مثال در خصوص وجوه مختلف دسترسی و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی گیاهی، جانوری، میکروارگانیسم‌ها، منابع در معرض تهدید، منابع در معرض انقراض، منابع مصرفی رایج و نوع بهره‌برداری. (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی، شماره مسلسل ۲۸۰۱۵۴۴۹، تاریخ انتشار، ۱۳۹۶/۴/۲۵)

همچنین اصلاح قوانین موجود، پیش از پیوستن به تریپس، با تشکیل کارگروه‌های کارشناسی که نظام جامع حمایت از منابع ژنتیکی کشور و حقوق مالکیت فکری نوآوران عرصه زیست فناوری را مدیریت کند، ضروری می‌نماید. در حال حاضر عدم حمایت از نوآوران عرصه کشاورزی و متعاقب آن کاهش انگیزه صاحبان اندیشه، شهروندان را از مزایای عمومی حقوق مالکیت فکری محروم می‌نماید و این موضوع می‌تواند امنیت غذایی شهروندان را به خطر اندازد. برای مثال بند (د) ماده ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ منابع ژنتیک و اجزای تشکیل دهنده آن و نیز فرآیندهای تولید بیولوژیک آن را مستثنا کرده است و امکان حمایت از طریق اختراع را ندارند. به این ترتیب منابع مهندسی ژنتیک شده و اختراعات زیست فناوری و متعلقات آن و فرآیندهای زیستی که در صنعت کاربرد دارد، از حمایت مالکیت فکری محروم است و امکان حمایت از حقوق مالکیت فکری مخترعان و نوآوران این عرصه کشاورزی سلب شده است.^۱

با توجه به مجموع قوانین موجود می‌توان گفت در قوانین ایران حمایت مؤثری از به‌نژادگران و نوآوران عرصه زیست فناوری به عمل نیامده و این امر به معنای در معرض خطر بودن امنیت غذایی شهروندان می‌باشد؛ زیرا برای مخترعان عرصه زیست فناوری انگیزه‌ای باقی نمی‌ماند تا به تولید علم پردازند و در نتیجه کشاورزان هم از مزایای پیشرفت‌های عرصه کشاورزی محروم می‌مانند. لذا در صورتی که حمایت مؤثری از تولیدکنندگان علم در عرصه کشاورزی و زیست فناوری به عمل آید، می‌توان با اعطای مجوزهای اجباری مانند ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات ۱۳۸۶، دکتراستیفای حق (بند ج ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات)، واردات موازی و سایر انعطافات پیش‌بینی‌پذیر، مسئله تراحم حقوق مالکیت فکری با امنیت غذایی را تا حد زیادی حل کرد.^۲

۱. با توجه به خلأ قانونی راجع به حمایت از نوآوری‌های کشاورزی، چند طرح و لایحه به مجلس شورای اسلامی برای تصویب قانون خاص ارائه شده است (مانند طرح حمایت از مالکیت صنعتی با ۱۵۴ ماده) که تاکنون تبدیل به قانون نشده است. در تاریخ ۵ تیر ۹۷ کلیات آن در مجلس تصویب شده است. اگر این طرح تصویب شود خواسته موافقان طرح استفساریه بند (د) ماده ۴ قانون ثبت اختراعات سال ۱۳۸۶ مبنی بر حمایت از زیست فناوری‌های کشاورزی محقق می‌شود. همچنین امکان ثبت میکروارگانیسم‌ها (ریزسازواره‌ها)ی دست‌ورزی شده ژنتیکی را به‌عنوان اختراع فراهم می‌کند. برای اطلاع از نظرات مدافعان و مخالفان این طرح رجوع کنید به: خوانساری، ۱۳۹۳: ۲۱۰.

۲. برای اطلاع از شیوه‌های تعدیل نظام ثبت اختراع ر.ک: شمالی مقدم، ۱۳۹۰: ۶۶.

۵. نسبت حق غذا با حقوق مالکیت فکری؛ هم‌زیستی یا تعارض

فارغ از مجادلات راجع به ماهیت حقوق مالکیت فکری،^۱ در هر حال تکلیف توأمان دولت‌ها نسبت به تضمین حق غذای شهروندان و در عین حال حمایت از حقوق مالکیت فکری، تبیین نسبت این دو حق را مهم ساخته و توسعه فزاینده نظام حقوق مالکیت فکری نیز بر اهمیت امر افزوده است.^۲ تنوع و پیچیدگی قواعد و نهادهایی که سعی در سازماندهی، ایجاد، تملک و بهره‌برداری از منابع ژنتیک گیاهی برای کشاورزی و تولید غذا دارند، در کنار گسترش روزافزون محتوای هنجاری حق غذا در ربع قرن گذشته و نیز توسعه حقوق مالکیت فکری در زمینه‌های مرتبط، رژیم پیچیده‌ای را ایجاد کرده که شامل طیف گسترده‌ای از قواعد و نهادهای^۳ متغیر و گاه هم‌پوشان است و نشان می‌دهد ارتباط حق غذا و حقوق مالکیت فکری در آینده چالشی تر و پیچیده تر خواهد بود (Helfer & Austin, op.cit: 364).

اگرچه در فرض تراحم دو حق، ممکن است با تکیه بر عدم برابری رتبی حق‌ها، بی‌تردید طرفدار تقدم حق یا ارزش حیات بر سایر حقوق باشیم (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۶: ۱۵۲)، اما پرسش این است که در موارد تقابل حقوق مالکیت فکری با حق غذا چه باید کرد؟ آیا می‌توان با ذاتی‌پنداشتن این تعارض از یک سو و به استناد تقدم رتبی حق حیات، از دیگر سو، به سادگی رأی به رجحان حق غذا و دست کشیدن از حقوق مالکیت فکری داد یا در نهایت ایجاد نوعی از سازگاری بین این دو حق ممکن و مطلوب خواهد بود؟ آیا اصولاً تراحم موجود ناشی از تعارضی بنیادین بین این دو مقوله بوده یا این تراحم را می‌توان به نوعی هم‌زیستی بدل کرد؟

۱. به‌رغم ذکر مواردی از حقوق مالکیت فکری در متون اسناد حقوق بشری (مانند ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)، ماهیت حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر، همچنان مورد مناقشه است. برخی مدافعان آن را در شمار حق‌های بنیادین بشری آورده‌اند و مخالفان خود را متهم به دفاع از ایده ضد حقوق بشری «نفی مالکیت» کرده‌اند (Giovannetti & Matthews, 2005: 9). منتقدان بر این باورند که نظام کنونی حقوق مالکیت فکری در جهان معاصر، بیش از آن که حامی حقوق مخترعان و صاحبان اندیشه باشد، در عمل حامی سرمایه‌گذاران بوده است (Mwangi, 2002: 91).

۲. ر.ک: حبیبی مجنده، ۱۳۹۴: ۲۴-۳۵.

۳. شامل قواعد بین‌المللی حاکم بر منابع ژنتیک گیاهی و زیست‌فناوری کشاورزی، موافقت‌نامه‌های چندجانبه بین‌المللی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قواعد عرفی حقوق بشری، معاهدات، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌های پذیرفته شده توسط اعضای سازمان جهانی تجارت، سازمان غذا و کشاورزی، کنوانسیون تنوع زیستی، کمیسیون نظارت بر منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی، و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا و اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی.

رویکرد متعارض‌انگار، بر این باور است که حمایت کامل از مالکیت فکری در نهایت منجر به تضییق حقوق بشر خواهد شد. بنابراین باید تقدم هنجاری را به حقوق بشر داد.^۱ این رویکرد محدود شدن حقوق مالکیت فکری را در موارد تعارض لازم دانسته و در صورت تقابل حقوق مالکیت فکری با حق غذا، باور به انکار کامل مالکیت فکری دارد؛ چرا که حق غذا از حقوق بنیادین بشری و حافظ کرامت انسانی و منفعت عمومی است.^۲ این رویکرد به دلیل چالش‌های پیرامونی، نتوانسته فصل‌الخطاب ماجرا باشد و دولت‌ها نمی‌توانند با شناسایی چنین تعارضی، تعهدات خود را به حمایت مالکیت فکری را به کلی نادیده بگیرند.^۳ اما رویکرد همزیست‌انگار با تأکید بر تعریف حوزه مناسب برای انحصار و با حفظ منافع تجاری و ایجاد انگیزه برای صاحبان مالکیت فکری، همراه با تضمین دسترسی عموم مصرف‌کنندگان، اعتقادی به تعارض ذاتی میان این دو نداشته و سعی در ایجاد هم‌زیستی دارد.^۴

در عمل بسیاری از صاحب نظران، حمایت از مالکیت فکری را فارغ از اینکه به‌عنوان یک حق بشری برای صاحبان اندیشه شناسایی شده یا نشده باشد، به دلیل مزایایی که رشد فناوری برای همگان و آیندگان به ارمغان می‌آورد لازم دانسته و ایجاد تعادل بین منافع دارنده امتیاز انحصاری و منافع عموم جامعه را هدف حقوق مالکیت فکری عنوان کرده‌اند؛ اما معتقدند در این میان حقوق بشر و از جمله حق غذا نباید قربانی شود. از این منظر حمایت از حقوق مالکیت فکری در صورتی به نفع اجتماع خواهد بود که اتخاذ چهارچوبی حقوق بشری برای مالکیت فکری به طور مشخص و گسترده تبیین

۱. استدلال این دسته این است که بر خلاف حقوق بنیادین بشر که ذاتی و با مرتبط کرامت انسانی‌اند و دولت، تنها آن‌ها را شناسایی می‌کند، حقوق مالکیت فکری ماهیتی اعطایی، انحصاری و موقت دارد. (Helfer, 2003: 48).

۲. این دسته برای استدلال خود به قطعنامه شماره ۲۰۰۰/۷ کمیته فرعی حقوق بشر کنوانسیون حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی استناد می‌کنند که در آن بر تعارضات واقعی و بالقوه بین اجرای توافقنامه تریپس و تحقق حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی، تأکید شده و مطابق بند سوم آن «برای همه دولت‌ها تعهدات حقوق بشری بر سیاست‌ها و توافقات اقتصادی تقدم دارد» (Resoulution, 2000/7: 2000).

۳. در حقوق بین‌الملل اولویت‌بندی قواعد به منظور تقدم مطلق یکی بر دیگری، به طور محدود و تنها به‌عنوان آخرین راه‌حل و منحصراً در خصوص قواعد آمره پذیرفته شده است. تاکنون به‌رغم دلایل ارائه‌شده، همچنان آمره بودن قواعد حقوق بشری مورد مناقشه بوده و در نهایت هنوز نمی‌توان از آمره بودن قواعد حقوق بشر، در حوزه حقوق بین‌الملل سخن گفت.

۴. گو اینکه حقوق مالکیت فکری، باید محدود به قید «در حد معقول» مستفاد از اسناد حقوق بشری باشد تا در نهایت حمایت از مالکیت فکری به حمایت و توسعه حقوق بشر منجر شود.

شود تا این حقوق به شیوه‌ای حمایت‌گرا، در توسعه حقوق بنیادین بشر نقش ایفا کنند (Rajavanshi & Gupta, 2011: 34).

به دیگر سخن حتی در صورتی که حقوق مالکیت فکری را دارای موقعیت و اهمیتی برابر با سایر حقوق مالکانه بدانیم و ثبت این دسته از حقوق، تحت عنوان «مالکیت»^۱ را شاهدی بر این مدعا تلقی کنیم، باز هم به نظر می‌رسد محدودیت‌های حاکم بر حق مالکیت را در این مورد نیز باید پذیرفت؛ همچنان که اولویت حفظ محیط زیست، امروزه استفاده مطلق از حق مالکیت را محدود ساخته، مالکیت فکری نیز مشمول محدودیت‌های حقوق بشری از جمله اقتضانات حق غذا و امنیت غذایی خواهد بود. پس در نهایت باید در پی تعریف حدود و حوزه مناسب انحصار بود؛ به گونه‌ای که از سویی انگیزه کافی را برای صاحبان اندیشه با هدف تولید فراهم آورد و از دیگر سو عموم مردم از دسترسی به محصولات فکری باز نمانند. در گزارشی که سازمان جهانی تجارت به کمیته کنوانسیون حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی در تحلیل رابطه حقوق بشر و تریپس ارائه کرده است،^۲ رویکرد همزیست‌انگار به نوعی تأیید شده و بسیاری از صاحب‌نظران نیز هم‌زیستی بین این دو دسته از حقوق را پذیرفته‌اند (Helfer & Austin, op.cit: 73).

همزیست‌انگاران علاوه بر ارائه نظریات کلی نظیر استفاده از حقوق بشر برای توسعه حقوق مالکیت فکری، بهره‌گیری از حقوق بشر برای اعمال محدودیت بر حقوق مالکیت فکری، و تحقق اهداف حقوق بشری از طریق حقوق مالکیت فکری، باید به این پرسش اساسی پاسخ دهند که قواعد حمایت از مالکیت فکری در عمل چگونه باید در پرتو نگرانی و دغدغه‌های حقوق بشر اصلاح شوند (Rajavanshi & Gupta, op. cit: 13). گروهی پیشنهاد داده‌اند که حمایت از حقوق مالکیت فکری مخترع باید مشروط به تأمین منفعت عمومی و رفاه جامعه باشد. باید دولت را ملزم کرد تا از شهروندانش در مقابل اثرات منفی حقوق مالکیت فکری حمایت کند. حقوق بشر باید به‌عنوان معیاری برای ارزیابی درخواست‌های مرتبط با اختراعات در نظر گرفته شود و لازم است سیستمی طراحی شود که دولت بتواند این موضوع را به دقت بررسی کرده و در صورت مغایرت هر مورد با موازین حقوق بشری، گواهی اختراع را ابطال نماید. به‌علاوه کشورهای در حال توسعه در پیوستن

۱. Property

۲. CESCR & WTO, 2000: 4-5

به معاهدات مربوط به حمایت از مالکیت فکری باید انعطاف‌ها و استثنائات حمایت را به طور دقیق در نظر داشته باشند و آنچه را که همگام با نیازهای توسعه‌ای ایشان است بیشتر مورد توجه قرار دهند (Helfer & Austin, op.cit: 78).

نتیجه

به نظر می‌رسد فارغ از اتخاذ هر موضعی در باب نسبت حقوق مالکیت فکری با حق غذا و امنیت غذایی، راه حل نهایی مسأله، در گرو یافتن نقطه تعادلی بین این دو خواهد بود؛ چرا که جهان امروز با تکیه بر نظام حقوق مالکیت فکری، هر چه بیشتر به سمت تولید ثروت گام برمی‌دارد و گویی این روند قابل توقف نیست. در واقع در دنیایی که همه چیز در حال ثبت و تملک است، انکار کامل دارایی‌های فکری باعث صدمه به کل نظام حق‌ها، از جمله حق غذا می‌شود. لذا باید با شناسایی حقوق کشاورزان و مردمان بومی که صاحبان دانش سنتی هستند و همچنین با ثبت ذخایر ژنتیکی و گیاهی و برطرف کردن نقص‌های معاهدات کنونی، در جهت تضمین امنیت غذایی کوشید. صاحبان حقوق مالکیت فکری در حوزه‌های زیست‌فناوری و تولید محصولات کشاورزی، با در نظر گرفتن ملاحظات حقوق بشری می‌توانند سهمی منصفانه از مزایای مادی داشته باشند تا سایر انسان‌ها از حداقل لازم برای ادامه حیات برخوردار گردند. هر حمایتی که از مالکیت‌های فکری مرتبط با زیست‌فناوری صورت می‌گیرد، متناسب با آن، باید حمایتی حداکثری از محیط زیست و تولید کشاورزان محلی نیز صورت پذیرد. در غیر این صورت حقوق مالکیت فکری بدون در نظر گرفتن سهم دیگر صاحبان حقوق، مستعد تهدید امنیت غذایی است.

کشورهای در حال توسعه علاوه بر بهره‌گیری از امتیازات نظام حقوق مالکیت فکری کنونی، باید یک سیستم خاص حامی حقوق کشاورزان و دانش سنتی آن‌ها، داشته باشند؛ زیرا در دنیایی که امکان توقف حقوق مالکیت فکری وجود ندارد، باید اطمینان حاصل کنیم که حقوق فعالان ضعیف‌تر یعنی کشاورزان و دارندگان دانش سنتی، از طریق رژیم حقوق مالکیت فکری، به خوبی حمایت گردد. در ایران با توجه به ضعف حمایت از مالکیت فکری و حقوق نوآوران عرصه زیست‌فناوری لازم است قوانین جدیدی در راستای حمایت از حقوق این دسته از صاحبان اندیشه تدوین شود. اما به‌منظور تضمین حق غذا باید رویکرد جامع به حمایت حداکثری از کشاورزان داشت تا به نقطه تعادل حقوق مالکیت فکری و حق غذای شهروندان نایل شد. پیوستن به تریپس شمشیر دولبه‌ای

است که اگر با شناخت کامل از تعهدات مندرج در این سند و انعطافات پیش‌بینی شده در آن صورت پذیرد، می‌تواند گامی مثبت در حمایت از حقوق مالکان فکری تلقی شود؛ لذا پیشنهاد می‌شود قانون جامع حمایت از حق غذا، با هدف حمایت از حق غذا و کشاورزان، پیش از پیوستن به تریپس اما با در نظر گرفتن تمامی امتیازات و انعطافات مندرج در آن، تدوین شود.



منابع فارسی کتاب

- شمالی مقدم، سحر (۱۳۹۰)، **حقوق مالکیت فکری و حق بر غذا، چالش‌ها و تعامل‌ها**، پایان نامه حقوق مالکیت فکری، دانشگاه تهران.
- حبیبیا، سعید (۱۳۸۶)، **چالش‌های جدید حقوق مالکیت فکری**، فصلنامه حقوق، شماره ۳۷، صص ۳۷-۶۴.
- حبیبیا، سعید و حیدری، راضیه (۱۳۹۳)، **دامنه حقوق مالکیت فکری در حمایت از ارقام جدید گیاهی**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴۴، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۴)، **حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر (تعامل‌ها و تعارض‌ها)**، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خوانساری، سمانه (۱۳۹۳)، **نقش حقوق مالکیت فکری در امنیت غذایی**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه قم.
- عزیزی مراد پور، حمید (۱۳۹۱)، **تأملی بر ماده ۳۰ موافقت‌نامه تریپس و درس‌هایی از رویه قضایی**، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۵۶.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۶)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، دفتر اول: درآمدی بر مباحث نظری: **مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع (جلد اول)**، چاپ پنجم، تهران: نگاه معاصر.
- مشهدی، علی، محشمی، میترا (۱۳۹۴)، **تأملی بر نسبت میان حقوق مالکیت فکری و حقوق محیط زیست**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴۵، صص ۴۸۷-۵۰۴.
- مومنی راد، احمد، شهاب‌الدین، علی، و عزیزی، ناصر (۱۳۹۲)، **حمایت از تنوع زیستی و دانش سنتی در نظام جهانی مالکیت فکری**، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۹، صص ۲۳۳-۲۶۲.
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص «لایحه حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی»، شماره مسلسل ۱۵۴۴۹، ۲۸۰، تاریخ انتشار، ۱۳۹۶/۴/۲۵.

انگلیسی

- Adams, S. (2008). **Globalization And Income Inequality, Implications For intellectual Property Rights**. *Journal of policy modeling*, NO;30, pp 725-735, 2008.
- Audrey, R. (2001, July° September). **Approaching intellectual property as a human right, obligations related to. Article 15 (1) (c)**. Copyright Bulletin, xxxv (No. 3), pp. 4-36.
- Blakeney, M. (2009). **Intellectual property rights and food security**. USA: CABI Head Office.

- Bellman, C. (2016, June 14). Presentation. **Technology, Food Security And Sustainable Development**. Geneva: ICTSD. Retrieved January 6, 2017, from http://www.wipo.int/export/sites/www/meetings/en/2011/wipo_ip_lsbiot_ge_11/presentations/bellmann.pdf
- CESCRO & WTO. (2000). **Protection of Intellectual Property under the TRIPS Agreement**. UN CESCRO & WTO. The Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR). Retrieved January 6, 2017, from <http://www.un.org/documents/ecosoc/docs/2001/e2001-22.pdf>
- CFS. (2009, October 14, 15 & 17). **CFS Reform Document**. Rome. Retrieved January 6, 2017, from <ftp://193.43.36.93/docrep/fao/meeting/018/k7197e.pdf>
- Cullet, P. (2003). **Food Security and Intellectual property Rights in Developing Countries**. Geneva, International Environmental Law Research Center (IELRC).
- De Schutter, O. (2014). **The Right to Food; Report of the special rapporteur to U.N. General Assembly**. UN. Retrieved January 6, 2017, from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G14/105/37/pdf/G1410537.pdf?OpenElement>.
- FAO. (2010). **The Right to Adequate Food. Fact Sheet No. 34**. Retrieved January 6, 2017, from <http://www.ohchr.org/Documents/Publications/FactSheet34en.pdf>
- FAO. (2014). **Building a common vision for sustainable food and agriculture; Principles and approaches**. Rome: FAO. Retrieved January 6, 2017, from <http://www.fao.org/3/a-i3940e.pdf>
- Giovannetti, T., & Matthews, M. (2005). **Intellectual Property Rights and Human Rights**. IDEAS, 34.
- GUPTA, V. K. (2011, June). **Protecting Indian's Traditional Knowledge**. WIPO Magazin, pp. 5-8. Retrieved January 6, 2017
- Helfer, L. R. (2003). **Human Rights and Intellectual Property: Conflict or Co-Existence**. Minnesota Intellectual Property Review, 5(1), 47-61.
- Helfer, L. R. (2007). **Toward A Human Rights Framework For Intellectual Property**. U.C. Davis Review, 40. Retrieved January 6, 2017, from https://lawreview.law.ucdavis.edu/issues/40/3/intl-rights-approaches-to-ip/DavisVol40No3_Helfer.pdf
- Helfer, L. R., & Austin, G. W. (2011). **Human Rights and Intellectual Property; Mapping the Global Interface**. New York, USA: Cambridge University Press.
- **Intellectual property rights and human rights**. (2000). Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights. Retrieved January 6, 2017
- Lesser, W. (1997). **The Role of Intellectual Property Rights in Biotechnology Transfer under the Convention on Biological Diversity**. ISAAA Briefs (No. 3). Retrieved January 6, 2017, from <https://www.isaaa.org/resources/publications/briefs/03/download/isaaa-brief-03-1997.pdf>
- Mbithi, S. (2011, June 14). **How the Private and the Public Sectors Use IP to Enhance Agricultural Productivity**. Geneva: WIPO. Retrieved January 6, 2017, from http://www.wipo.int/meetings/en/details.jsp?meeting_id=22762
- Mwangi, J. (2002). **TRIPs and Agricultural Biotechnology: Implications on the Right to Food in Africa**. Lund: LUND UNIVERSITY LIBRARIES.

- Retrieved January 6, 2017, from <http://lup.lub.lu.se/student-papers/record/1554631>
- OECD. (1996). **Intellectual Property, Technology Transfer And Genetic Resources**: An OECD Survey Of Current Practices And Policies. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). Retrieved January 6, 2017, from <http://www.oecd.org/science/biotech/1947170.pdf>
 - OHCHR. (1993). **Fact Sheet No. 16** (Rev.1). The Committee On Economic, Social and Cultural Rights. Retrieved January 6, 2017, from www.ohchr.org/Documents/Publications/FactSheet16rev.1en.pdf
 - Rajavanshi, G., & Gupta, R. (2011, July 16). **Intellectual Property Rights vs. Human Rights: A Need to Re-Examine the Relationship between the Two to Enhance Social Being**. *Intellectual Property Rights vs. Human Rights: A Need to Re-Examine the Relationship between the Two to Enhance Social Being*, p. 21. doi:10.2139/ssrn.1887024
 - **The Convention on Biological Diversity**. (1992). RIO. Retrieved January 6, 2017, from <https://www.cbd.int/convention/text/>
 - (2001). **The impact of the Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights on human rights**. UN Commission on Human Rights. Retrieved January 6, 2017, from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G01/143/45/PDF/G0114345.pdf?OpenElement>
 - (2002). **The right to food**. UN General Assembly. Retrieved January 6, 2017, from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N01/487/12/PDF/N0148712.pdf?OpenElement>
 - Truswell, A. S. (2002). **Genetically Modified Plant Foods**. *Macquarie*, 2: 177, 184.
 - WHO. (2005). **Modern food biotechnology, human health and development: an evidence-based study**. Retrieved January 6, 2017, from http://who.int/foodsafety/publications/biotech/biotech_en.pdf
 - YU., P. K. (2007). **Reconceptualizing Intellectual Property Interests in a Human Rights Framework**. *U.C. Davis Law Review*, 40: 1039-1149.